



دانشگاه کاشان

شاطریان، محسن، حسینی زاده آرانی، سید سعید، سخایی، ایوب، و حسینی، محمد رضا. (۱۳۹۵). نهاد دین و امنیت؛ بررسی و سنجش ارتباط میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۳ (۷)، ۱۴۹-۱۲۱.

نهاد دین و امنیت؛ بررسی و سنجش ارتباط میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان

محسن شاطریان ۱، سید سعید حسینی زاده آرانی ۲، ایوب سخایی ۳ و محمد رضا حسینی ۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۹

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط میان میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهر کاشان است. چهارچوب نظری پژوهش، متکی بر تلفیقی از نظریات مکتب محیط اجتماعی فرهنگی، نظریه فضاهای قابل دفاع نیومن و نظریه آنومی دورکیم و برخی دیگر از نظریات مرتبط با حوزه موضوع می‌باشد. روش تحقیق، پیمایش بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه از طریق مصاحبه با ۳۸۴ نفر از حاشیه‌نشینان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۴ جمع‌آوری شد. ارزیابی یافته‌ها در بعد توصیفی نشان دادند که میزان دینداری حجم نمونه مورد بررسی در سطح متوسط رو به بالا اما میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها در سطح بسیار پایین قرار دارد؛ به طوری که بالغ بر ۷۱٪ از افراد از احساس امنیت اجتماعی پایینی برخوردار بودند. نازل‌ترین سطوح احساس امنیت، مرتبط با احساس امنیت شغلی و مالی بود. در بخش تحلیلی و استنباطی، آمارها نشان دادند که رابطه مستقیم و معناداری میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی ($r=0/389$) وجود دارد؛ به هر اندازه

۱. دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). دانشیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم shaterian@kashanu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. saied6989@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان. sakhaei84@yahoo.com
۴. دکترا، دانشگاه آیت الله بروجردی mrho@abru.ac.ir

که بر میزان دینداری افراد افزوده می‌گردد، از احساس امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که مجموع ابعاد دینداری، ۲۳٪ از تغییرات متغیر احساس امنیت را می‌تواند تبیین کند. در بین ابعاد دینداری، بُعد اعتقادی بالاترین میزان تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی داشت.

کلیدواژه‌ها: امنیت؛ احساس امنیت اجتماعی؛ دینداری؛ حاشیه‌نشینان.

۱- مقدمه و بیان مسأله

امنیت از بنیانی‌ترین نیازهای افراد و جوامع است. اگرچه مازلو در سلسله مراتب نیازهای آدمی، امنیت را پس از نیازهای زیستی و در اولویت دوم قرار می‌دهد، اما باید پذیرفت بدون امنیت، چه بسا نیازهای زیستی نیز برآورده نخواهند شد. امنیت، نخستین عاملی است که سبب می‌شود انسان‌ها گرد هم آیند، از نیروی هم بهره‌گرفته و در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت جویند تا آسوده‌تر و متعهدتر به زندگی خود ادامه دهند (صالحی و افسرافشاری، ۱۳۹۰: ۱). اغلب محققان مفهوم امنیت را دارای دو بُعد عینی و ذهنی می‌دانند. این دو بُعد غالباً با تمایز بین «امنیت» و «احساس امنیت» بیان می‌شود. احساس امنیت اجتماعی، به ادراک ذهنی و روانی افراد مختلف در قالب گروه‌های اجتماعی اشاره دارد (صباح محمدی: ۴). گفتنی است این دو مفهوم ممکن است کاملاً منطبق بر هم یا در دو سر طیف قرار داشته باشند. یعنی امکان دارد در جامعه‌ای به لحاظ شاخص‌های عینی، امنیت کامل برقرار باشد، اما شهروندان احساس امنیت ننمایند. البته این حالت بیشتر جنبه تحلیلی داشته و در عمل، این دو، همبستگی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. چنانچه امنیت عینی در سطح بالایی باشد، محال است احساس امنیت در سطح بسیار پایین گزارش شود. در این بین، احساس امنیت بسیار مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است: «کنش‌گران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش اقدام می‌نمایند. لذا ارزیابی و احساس آنها از فضای کنش، نقش کلیدی در این تصمیم‌گیری ایفا می‌نماید» (بیات، ۱۳۸۸: ۱۷). بررسی و شناخت ابعاد و زوایای احساس امنیت از آن رو ضرورت دارد که «آنچه بستر توسعه و رشد به حساب می‌آید، امنیت ذهنی و احساس امنیت است» (هزارجریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۳۳). بدون تردید حاکمیت احساس ناامنی در جامعه، نشاط و سلامتی در زندگی روزمره را مختل کرده و با ایجاد موانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌نماید و تأثیرات روانشناختی گسترده‌ای (مانند اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم خرسندی) را در افراد

ایجاد می‌کند. کلمنت و کلیمن^۱ (۱۹۷۷) بر این باورند که ترس از ناامنی در رفتارهای ضد اجتماعی و انزواگرایانه متبلور می‌شود و در نهایت صفات نیک انسانی و عرصه عمومی را زائل می‌سازد (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۴: ۶۴).

احساس امنیت می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی، مشارکت، پایبندی به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و نظایر آن قرار بگیرد. از جمله بنیانی‌ترین عواملی که در تأمین امنیت اجتماعی در بعد عینی و احساس و ادراک از امنیت در بعد ذهنی آثار بسیار شگرفی دارد، دینداری یا به عبارتی پایبندی به ارزش ها، اعتقادات دینی و اعمال دینی است. «گستره احساس امنیت در افراد متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهم‌ترین این عوامل دینداری و سطح اعتقادات فرد است که عاملی مهم در افزایش سطح امنیت فرد در هنگام حضور در شرایط سخت و مکان‌های ناامن تلقی می‌شود» (پوراحمد، عیوضلو، حامد، عیوضلو و رضایی، ۱۳۹۱: ۱). آموزه‌های دینی از طریق جلب مشارکت مثبت در محله و اجتماعات دینی همچون مساجد، و همچنین «از راه توصیه‌های عملی نظیر نماز، روزه، حجاب، عدم نگاه به نامحرم و پرهیز از گناه در کنار توکل بر خدا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد احساس امنیت داشته باشد» (شایگان، ۱۳۹۲: ۳). به بیان دیگر، عامل دین به لحاظ گستره اجتماعی بودن آن در شکل‌گیری، تحکیم و تقویت روابط اجتماعی تأثیرگذار است و از طرفی، افزایش تعاملات اجتماعی در ارتقای احساس امنیت مؤثر است.

مقوله امنیت و ادراک ناشی از این مسئله خطیر و ارتباط آن با میزان دینداری و تأثیری که اعتقادات مذهبی بر آن می‌گذارد را می‌توان از زوایای مختلف و برحسب اجتماعات متنوعی چون مهاجران، حاشیه‌نشینان و غیره مورد بررسی قرار داد. در این میان مسئله امنیت و دین نزد حاشیه‌نشینان شهری از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. به طور کلی مناطق حاشیه‌ای، مناطقی از شهر محسوب می‌گردند که واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و تجهیزات ناقص داشته و فرهنگ فقر، جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری، گوشه‌گیری و انزوا بر آن‌ها غلبه یافته است (نقدی، ۱۳۸۵: ۱۱). امروزه حاشیه‌نشینان شهری بخش عمده‌ای از جوامع در حال توسعه را تشکیل می‌دهند و بنابر شرایط اجتماعی خاص حیاتشان با مسأله امنیت به طور ویژه‌ای مواجه هستند. هیراسکار (۱۹۸۹) معتقد است که مناطق حاشیه‌ای بیش

¹ Klement & klemin

از سایر مناطق شهر، مخفی‌گاه انواع فعالیت‌های غیرقانونی است و اغلب با جرائم بیشتری نسبت به مناطق درون شهر روبروست. مهم‌ترین ویژگی‌های این مناطق در ایران عبارتند از: ازدحام بیش از حد جمعیت، ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت بهداشت جمعی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و آموزشی، افزایش جرم و جنایت و فساد (ربانی، وارثی و طاهری، ۹۴). بنابراین حاشیه‌نشینی یکی از بسترهای وسیع نابه‌هنجاری‌های گوناگون است که می‌تواند جامعه را با بحران‌های متعددی روبرو کند و بدین ترتیب تمامی این عوامل می‌توانند موجبات گسترش احساس ناامنی و فقدان مشارکت حاشیه‌نشین را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و جامعه مدنی فراهم سازد. با توجه به موارد مذکور، لازم است مناسبات دینداری و احساس امنیت در مناطق حاشیه‌ای چون نواحی مورد نظر در شهرستان کاشان مورد کنکاش علمی و تجربی بیشتری قرار گیرد. بدین رو، مطالعه‌ی حاضر در راستای سنجش و بررسی ارتباط میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی در نواحی حاشیه شهرستان کاشان هدف گذاری شده و درصدد پاسخ به سوالات ذیل است:

۱. وضعیت دینداری یا پایبندی به اعتقادات مذهبی و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان به چه صورتی است؟
۲. چه ارتباطی میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی حاشیه نشینان وجود دارد؟
۳. کدام‌یک از ابعاد دینداری در نزد حاشیه نشینان نقش غالبی در تبیین احساس امنیت اجتماعی دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه احساس امنیت اجتماعی، پژوهش‌های مفیدی انجام شده است. برخی، عوامل موثر بر احساس امنیت را مدنظر قرار داده‌اند و برخی دیگر سعی در بررسی رابطه آن با متغیرهایی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و دینداری نموده‌اند.

کردی و کوهساری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «دینداری و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان آزادشهر» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که بین میزان دینداری با احساس امنیت اجتماعی افراد رابطه وجود ندارد اما بین ابعاد اعتقادی، مناسکی، فکری و پیامدی دینداری در افراد و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین بعد تجربی دینداری افراد و میزان احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری

وجود ندارد. یافته‌های این تحقیق سوال برانگیز است؛ از این لحاظ که چگونه ممکن است رابطه معنادار بین ابعاد دینداری و احساس امنیت وجود داشته باشد اما رابطه‌ای بین شاخص دینداری و احساس امنیت وجود نداشته باشد. پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی از همبستگی معنادار بین اکثر ابعاد دینداری با متغیرهای احساس امنیت گزارش داده‌اند. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که ابعاد دینداری بیشترین ارتباط را با متغیر ترس در انواع فضاهای شهری و روستایی دارد. قجری، توکلی و رئیسی (۱۳۹۲) نیز در تحقیق مشابهی تأثیر دینداری در دو بعد مناسکی و اعتقادی را بر احساس امنیت اجتماعی دانش آموزان سنجیده‌اند. نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل نشان داده که دینداری تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی دارد اگرچه بُعد مناسک مذهبی تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی ندارد. اما رابطه اعتقادات مذهبی و احساس امنیت اجتماعی دانش آموزان معنادار بوده است. هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «تأثیر دینداری و رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان» انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین احساس امنیت اجتماعی و متغیر دینداری در چهار بُعد عاطفی، اعتقادی، مناسکی و پیامدی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

در بخش مطالعات خارجی، پترسون^۲ (۱۹۹۰) اذعان داشته که فرد با ایمان به این دلیل که خداوند را حامی و مراقب خود می‌داند، احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی نمی‌کند. اتکا به نیروی الهی در این افراد و عدم احساس تنها ماندگی، مانع از بروز احساس ناامنی در آنها می‌شود (عابدی و دیگران، ۱۳۷۸: ۴۷). کوئینگ^۳ (۲۰۰۷) هم به این نتیجه رسیده است که افراد دارای اعتقادات مذهبی قوی‌تری، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و سازگاری بیشتری با موقعیت‌های استرس‌زا دارند. نتایج تحقیق الکندری^۴ (۲۰۱۱) در کویت نشان داده که دینداری باعث احساس امنیت اجتماعی بیشتر در افراد می‌شود چرا که افراد دیندار از حمایت اجتماعی دوستان و اقوام برخوردارند، تماس‌های بیشتری دارند و دارای ارتباط‌های مستحکم‌تری هستند.

^۲ Peterson

^۳ Koenig

^۴ Al- Kandari

برلین و هیپ^۵ (۲۰۰۵) در پژوهشی که درباره سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر شکل‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی بر میزان جرایم انجام داده‌اند، نشان می‌دهند که فرقه‌های دینی در محله‌ها اقدام به برقراری روابط اجتماعی با یکدیگر می‌نمایند و از این طریق باعث افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌شوند که در نهایت موجب کاهش جرم در این مناطق می‌شود. براساس آنچه گفته شد، می‌توان استدلال نمود کاهش جرایم در پی تشکیل اجتماعات بر اثر مولفه‌های دینی موجبات احساس امنیت بیشتر در بین آنها را فراهم می‌کند.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در وبسایت نشریه‌های معتبر و پایگاه‌های نمایه‌کننده مقالات، مطالعه‌ای که به بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت اجتماعی در جوامع آماری چون حاشیه‌شینان شهری پرداخته باشد، حداقل در حیطه مطالعات داخلی یافت نشد. بیشتر مطالعات صورت گرفته در کلیت جوامع شهری و در حجم نمونه شهروندان متوسط شهری (و نه حاشیه‌نشینان) به انجام رسیده است. توجه به گروهی خاص چون حاشیه‌نشینان و مناطق حاشیه‌ای شهری به دلیل آسیب‌پذیربودن این مناطق و نگاه بیرونی که این مناطق را خطرناک و ناامن نشان می‌دهد، می‌تواند توجیه‌کننده توجه به مقولاتی همچون امنیت و ارتباط و تأثیرپذیری آن از متغیرهایی همچون میزان دینداری باشد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- دینداری

دین حقیقتی است که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی انسان حضور قابل توجهی دارد و به عنوان یکی از پنج نهاد اصلی هر اجتماع، جایگاه خاصی را در تقسیم‌بندی جامعه‌شناسان به خود اختصاص داده است. دین یعنی تلاش‌ها و فعالیت‌های بشری که از اعتقاد به قوای مابعدالطبیعه سرچشمه می‌گیرد و بشر وابستگی خود را به آنها احساس می‌کند. دینداری، جلوه و مصداق دین است و در واقع عنوان عامی می‌باشد که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. دینداری یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که در ابعاد فردی و اجتماعی، از جانب پروردگار، برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال شده است و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی است که با هم پیوند داشته و یک احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بینند (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶).

⁵ Beyerlein & Hipp

دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار، با درجات یا از جهات مختلف می‌کوشد خود را با یک منبع فیض که از نظر وی در دین متبلور است هم ذات گرداند. بر این اساس میزان و جهت هم‌ذات انگاری فرد با دین مورد نظر وی، حد دینداری را مشخص می‌سازد (گنجی و هلالی‌ستوده، ۱۳۹۰:).

۲-۳- احساس امنیت اجتماعی

امنیت از زمره مفاهیم پیچیده حوزه نظری- پژوهشی علوم اجتماعی و سیاسی است که در لفظ به معنی نداشتن دغدغه، رهایی از تشویش، اضطراب و مخاطرات می‌باشد. مقوله امنیت به این موارد اشاره دارد: مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت، نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این‌گونه حقوق و آزادی‌ها، مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و درکل هر عاملی که آسایش انسان را از بین ببرد (جونز، ۱۹۹۹، ۱۰۴-). بسیاری معتقدند امنیت بیش از آن که واقعیتی عینی و بیرونی باشد، ماهیتی ذهنی و گفتمانی دارد و صرفاً در یک رابطه همنشینی و جانشینی با مفاهیم دیگری همچون قدرت، منابع، اهداف، مصالح و تهدیدات که همگی مفاهیم مبهم، توسعه نیافته و سیال هستند، مصداق می‌یابد (حسینی‌نثار و قاسمی، ۱۳۹۱: ۴). به همین دلیل اغلب صاحب‌نظران حوزه امنیت، برای این مفهوم دو بعد ذهنی و عینی در نظر گرفته‌اند. در بعد عینی، امنیت به معنی ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای افراد جامعه تعبیر شده و در بعد ذهنی، ذهنیت و ادراک مردم از مقوله امنیت را مورد توجه قرار گرفته است و به «احساس امنیت» تعبیر می‌شود. وجود احساس امنیت در جامعه به همان اندازه وجود عینی امنیت حائز اهمیت است.

منظور از احساس امنیت، احساس آزادی نسبی از خطراتی است که وضعیت خوشایندی در افراد جامعه ایجاد کرده و فرد در آن موقعیت احساس آرامش جسمی و روحی می‌کند. به عبارتی دیگر، احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از وجود یا عدم وجود امنیت در آن جامعه اطلاق می‌گردد. احساس امنیت از جمله مفاهیم چند بُعدی است که در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به طرق متفاوتی ظهور می‌کند. منابع تأمین‌کننده

احساس امنیت، برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت است (دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰:). احساس امنیت در سطوح کلان (ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از حوادث طبیعی و سقوط نظام‌های سیاسی)، میانه (روابط میان نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و چالش بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف) و خرد (روابط افراد جامعه در حوزه امور روزانه و تجربه‌های آنها از پدیده‌هایی چون سرقت، قتل) بر شکل‌گیری احساس امنیت نزد افراد مؤثر است. بدون تردید حاکمیت احساس نامنی بر جامعه، نشاط و سلامتی در زندگی روزمره را مختل کرده و با ایجاد موانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌نماید و تأثیرات روانشناختی گسترده‌ای همچون اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم خرسندی را در افراد ایجاد می‌کند. کلمنت و کلیمن^۷ (۱۹۷۷) بر این باورند که ترس از نامنی در رفتارهای ضداجتماعی و انزوایراییه متبلور می‌شود و در نهایت صفات نیک انسانی و عرصه عمومی را زائل می‌سازند.

۳-۳- حاشیه نشینی، احساس امنیت و زیربنای دینی تبیین آن

معضل حاشیه‌نشینی یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی در بخش عظیمی از کشورهای جهان، به ویژه کلان‌شهرهای قاره آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی، گریبان‌گیر مدیریت شهری شده است. به طور کلی، حاشیه‌نشینی عبارت است از «ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی» که معضلاتی چون عدم امنیت در آنها دیده می‌شود (خانباشی:). مناطق مذکور اغلب جزئی از مناطق مستعد ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌گردند. جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تنزل شغلی، کم‌سواد، بی‌سوادی و ترک تحصیل، شرارت، نزاع، درگیری، خشونت‌های مستمر، ضعف بهداشت، اعتیاد، فحشاء، معاملات غیرقانونی و در حاشیه بودن، حاشیه‌نشینی شهر را به کج‌روی سوق داده است. به زعم آسیب شناسان اجتماعی، همه‌ی اشکال ناپهنجاری‌های اجتماعی، چه به شکل انحراف و چه به صورت بیماری و اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم‌اند. قابل ذکر است که ناپهنجاری‌ها در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیشتری می‌یابند. این مناطق به دو نظام فرهنگی «روستایی - شهری» وابسته‌اند اما به هیچ یک تعلق و تمایل ندارند. در حاشیه بودن و گسیختگی از نظام اجتماعی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی

⁷ Klement & klemin

شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی در مناطق حاشیه‌ای به وجود می‌آورد که علاوه بر استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌گردد (نقدی، : ۲۲). بدین لحاظ، مناطق حاشیه‌ای بیش از سایر مناطق، مخفیگاه انواع فعالیت‌های غیر قانونی هستند و اغلب با جرائم بیشتری نسبت به سایر نواحی شهری شناخته می‌شوند.

تاکنون نظریات متنوعی پیرامون تبیین وضعیت مناطق حاشیه شهرها و ناامنی حاکم بر آنها ارائه شده است که از آن جمله‌اند: نظریه‌انومی دورکیم و مرتون، رویکرد فرهنگ‌گرایان، نظریه کنترل، مکتب محیط اجتماعی فرهنگی، رویکرد جاکوبز، نیومن، نظریه پنجره شکسته، رهیافت فرصت. مطالعات نشان می‌دهند که محیط، اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی در وقوع جرم تأثیر بسزایی دارد. در حال حاضر بسیاری از جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوق دانان این مسئله را مورد پذیرش قرار داده‌اند و نتایج و یافته‌های تحقیقات انجام‌شده مبین تأثیر گذاری محیط در وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی است (خانباشی، ۱۳۹۴:). براساس نظریه «مکتب محیط اجتماعی فرهنگی»، شرایط فرهنگی و اجتماعی محیط اطراف است که زمینه را برای بروز جرم و بزه فراهم می‌کند. همان‌طور هر میکروبی در محیط خاصی رشد می‌کند، محیط‌های اجتماعی و فرهنگی افراد مجرم و بزهکار را پرورش می‌دهند. اندیشمندان معتقدند که رفتارهای انسان آینه‌ای از روابط اجتماعی و محیط زندگی اوست. انسان‌ها اعمال خوب و بد را از محیط کسب می‌کنند.

بنابراین یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده‌ی امنیت اجتماعی و یک فضای شهری نامناسب، از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. خصوصیات برخی فضاهای شهری چون حاشیه‌ها به گونه‌ای زمینه‌ی ترس و ناامنی بیشتری را فراهم می‌آورند (محمدی، منوچهری و داودی،:). اسکار نیومن (۱۹۷۳) در کتاب «مردم و طراحی در شهر پرخشونت»، نظریه فضاهای قابل دفاع را طرح می‌نماید. نیومن سه فاکتور افزایش جرم و ناامنی در فضاهای شهری را بر می‌شمارد: ۱. بیگانگی از همسایگان ۲. عدم وجود نظارت (مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی و بدون آن که مجرم دیده شود، ممکن می‌سازند) ۳. در دسترس بودن راه فرار (امکان ناپدیدشدن مجرم از صحنه جرم) می‌داند. از نظر وی وی فضای شهری غیر قابل دفاع شامل اماکن و فضاهایی است که به کسی تعلق ندارد، بر حفظ و نگهداری آنان نظارتی نمی‌شود و حتی در مقابل دیدگان عمومی، که معمولاً نوعی ابزار

نظارتی و نیز عامل بازدارنده محسوب می‌شود، قرار ندارد. بنابراین وی فضاهای شهری را از نظر دارابودن ویژگی‌های ایمنی به دو دسته‌ی فضاهای قابل دفاع و فضاهای غیرقابل دفاع تقسیم کرده و فضاهای حاشیه‌ای شهرها را عنصری از فضای شهری غیر قابل دفاع محسوب می‌کند. بر اساس نظریه نیومن (۱۹۷۳) فضاهایی مانند حاشیه شهرها که امکان دیدن و دیده شدن در آنها کمتر است و در ضمن، امکان بیشتری برای فرار فراهم می‌آورد، پتانسیل بیشتری برای فعالیت‌های مجرمانه دارند. در این چهارچوب، ویلسون و کلینگ در قالب نظریه «پنجره‌های شکسته»، اذعان داشته‌اند محله‌هایی که در آنها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی نظیر تلنبار شدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون و ساختمان و پنجره‌های شکسته وجود دارد، امکان دسترسی به جرم مهیا است. ساکنین این مناطق، احساس آسیب پذیری بیشتری دارند و نشانه‌های بیشتری از عدم امنیت و آرامش در بعد عینی در این مناطق وجود دارد (قرایی، راد جهانبانی و رشیدیپور، ۱۳۸۹: ۲۱).

طبق آن چه گفته شد، کمبودهای متعدد و عدم امنیت شکل گرفته در مناطق حاشیه‌ای شهرها، ضرورت گسترش نهادی چون دین را در جهت توسعه همبستگی اجتماعی و گروهی اثبات می‌کند. این نهاد می‌تواند بسیاری از کارکردها نظیر احساس امنیت و آرامش را که جامعه حاشیه شهری و فضای حاکم بر آن قادر به برآورده کردنشان نیست، مرتفع سازد. دین به عنوان یکی از ضروریات زندگی بشری در ابعاد مختلف اعتقادی، رفتاری و ساختاری، قادر بر تأثیر گذاری بر کنش سوژه‌های اجتماعی است. دین از جمله نهادهای تولیدکننده نظم اجتماعی تلقی می‌گردد و خود در ایجاد آرامش و امنیت هر جامعه کارویژه تعیین کننده‌ای بر عهده دارد. مذهب می‌تواند در ایجاد احساس امید، صمیمیت، آرامش هیجانی، راحتی، فرصت‌های شکوفایی، و مهار تکانه‌ها مؤثر بوده (هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۲:) و با ارائه نوعی احساس فراطبیعی به شخص، آثار روانشناختی آرامش بخشی بر وی و به طور کلی بر جامعه داشته باشد. در بعد اجتماعی، دینداری نقش مهمی در کاستن بی‌عدالتی‌ها و ایجاد احساس یکپارچگی دارد و قادر است شعله‌های خودمحموری و خودپرستی را فرو نشاند. دین با اعمال و مناسک اجتماعی خود، پیروان را گرد می‌آورد و با ایجاد پیوندهای مشترک، موجبات احساس سعادت و خوشبختی را فراهم می‌کند. این نهاد، با نفوذ بر اعمال فردی، جهان‌بینی خاصی را در شخص ایجاد می‌کند و احساس رضایت را در وی متبلور می‌سازد. لذا فرد دیندار با الهام از آموزه‌های دینی، احساس امنیت زیادی را در مقابل رخدادها و خطرات احساس می‌کند که فرد غیردیندار فاقد آن است. مرور پیشینه‌ی نظری، بیانگر این است که رویکردهای متعددی

پیرامون ارتباط میان دینداری و ارزش‌های دینی با احساس امنیت اجتماعی، مطرح شده است و متفکران زیادی در این زمینه به نظریه پردازی پرداخته‌اند. در یک تقسیم بندی کلی، رویکردها و آراء ارائه شده را می‌توان در چهار قلمرو جای داد: ۱- آرائی که دین را عامل انسجام و همبستگی جامعه قلمداد می‌کنند ۲- رویکردهایی که بر جنبه‌های معنابخشی و هویت دهی دین تأکید می‌کنند ۳- آرائی که به بعد روانی و توسعه احساس آرامش ناشی از اعتقادات و باورهای دینی اشاره دارند ۴- رویکردهای ترکیبی که همسو با موارد فوق، نظم‌بخشی را نیز عنصر بنیادی اصول و باورهای دینی تلقی می‌نمایند.

امیل دورکیم، در قالب رویکرد نخست، دین را به مثابه یک پدیده سراسر جمعی و به عنوان نظامی یکپارچه از اعمال و عقاید مرتبط با امور مقدس دانسته که انسانها را به هم پیوند می‌دهد. وی دین را نیرویی تلقی می‌کند که اولاً در درون فرد احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه ایجاد می‌کند، ثانیاً سازوکارهایی ایجاد می‌کند که میتوان در مواقع به خطر افتادن سامان اجتماعی، آنها را به کار گرفت و ثالثاً از عناصر اصلی و عمده یکپارچگی و گستردگی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است. بنابراین هر چه اعضای جامعه متکی بر یک رشته از تجلی‌های نمادین و مفروضات مشترک درباره جهان پیرامون خود باشند، می‌توانند وحدت اخلاقی را حفظ و تأمین نمایند (آرون، ۱۳۸۶: ۲۶۹). دورکیم کارکردی اخلاقی برای دین در حوزه اجتماعی قائل بوده و بر این باور است که در جامعه‌ای که فرهنگی مشترک و نیرومند پیرامون اعتقادات عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی، استحکام و نظم اجتماعی عینیت بیشتری خواهد یافت. این امر عاملی می‌شود تا نظام اخلاقی و نظام اعتقادی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم هدیه کند و در پرتو آن نظام اجتماعی برقرار بماند و جرم و نابه‌هنجاری و کج‌روی کاهش یابد (صدیقی‌اورعی، ۱۳۸۴). این نظریه‌پرداز، چهار کارکرد اصلی برای دین برمی‌شمارد: انسجام‌بخشی، انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی و خوشبختی بخشی. از نگاه وی، دین، نه تنها نقش غیرقابل انکاری در تأمین همبستگی و روابط اجتماعی دارد بلکه با مداخله در حل معضلات اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و وحدت بین جوامع و معنویتی که در جامعه به وجود می‌آورد، موجب ثبات و پایداری جامعه می‌گردد و کار ویژه مهمی در تأمین احساس امنیت و اطمینان در نزد افراد جامعه به عهده دارد. هرچند دورکیم در نظریات خود مستقیماً بر امنیت و احساس امنیت اجتماعی اشاره نکرده است اما آراء وی پیرامون آنومی

اجتماعی بیانگر این مطلب است که وی ناپهنجاری اجتماعی را پایه و اساس به وجود آمدن احساس نبود امنیت و آرامش روانی در جامعه دانسته است (کوثری، ۱۳۸۵: ۸۳). توکویل نیز همچون دورکیم اعتقادات مذهبی را عامل توسعه‌ی نوعی انضباط اخلاقی دانسته و بر این باور است که دین و باورهای مذهبی در جامعه‌ای که انسجام آن مورد تهدید فردگرایی قرار گرفته است، می‌تواند سبب‌ساز ایجاد همبستگی اجتماعی شود. از نظر او چنین اعتقاداتی روح همگانی را در میان اعضای جامعه بسط داده و مسئولیت‌های اجتماعی افراد را یادآوری می‌کند (هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۱) و بدین ترتیب نظم و امنیت را در جامعه برقرار می‌سازد. برخی دیگر از صاحب‌نظران چون وبر، دیویس، الوود، مالینوفسکی، گیرتس، آدی، براون، بوزان و ویور در چهارچوب نظریات خویش بیان می‌دارند که مذهب با ارائه پاسخ‌هایی به تجارب درک‌ناپذیر انسان، نه تنها اضطراب او را کاهش می‌دهد بلکه با فراهم‌کردن یک نظام معنایی و شیوه تفکر درباره وجود انسان، روش‌های نهادمند و مشخصی برای برخورد با ابهامات ترسناک زندگی ارائه می‌کند. کارویژه باورداشت‌ها و مناسک مذهبی تنها این نیست که راه‌هایی برای کاهش تنش و رنج انسان فراهم سازند و منابع را تنظیم نمایند، بلکه در یکپارچگی جامعه، نگه داشت ثبات اجتماعی (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۲: ۱) و احساس امنیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

جدول ۱: تلخیص آراء مبتنی بر آثار دینداری بر احساس امنیت اجتماعی

متفکر	رویکرد	خلاصه نظرات
وبر	معنا	مذهب و آموزه‌های دینی، بی‌عدالتی‌های جهان را امری ظاهری و خصلت به‌ظاهر خودسرانه جهان را معنادار و سامان‌مند جلوه می‌دهند و توجیهاتی برای خوشبختی و بدبختی فراهم می‌نمایند.
دیویس	همبستگی، نظم	دینداری عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت کرده و بدین وسیله یگانگی اعضای جامعه را نسبت به هم تقویت می‌کند. ادای دین و اعمال مذهبی، هنجاریبخش و نظم آفرین است.
الوود	همبستگی	دین ارزشی والاست که بر روحیات و نوع عملکرد افراد اثر گذاشته و به تحکیم روابط اجتماعی می‌انجامد.
مالینوفسکی	آرامش و امنیت	دین ریشه در فشارها و تنشهای عاطفی دارد و در هنگام مشکلات، احساس آرامش را برای انسان به ارمغان می‌آورد. عمل به مناسک دینی منجر به تخلیه عاطفی و در نهایت آرامش بیشتر می‌شود.
گیرتس	معنا، آرامش، نظم	دین به واسطه معنادار نمودن و قابل تحمل نمودن رنج بشر و نوید غلبه نهایی عدالت در جهان، آرامش روحی و احساس خوشبختی را برای انسان به همراه می‌آورد.
آدی	آرامش و امنیت، معنا	دین به واسطه معنابخشی به تجربه‌های ناراحت‌کننده و پاسخ به مسائلی چون مرگ و رنج، و ناکامی‌ها را بی‌اهمیت جلوه داده و برای انسان حمایت و تسلی به همراه دارد.
براون	نظم، آرامش و امنیت	بسیاری از مناسک، خصلتی وسیله‌ای دارند و افراد در راستای اهدافی چون حفاظت در برابر خطر (و تأمین امنیت) به انجام آن‌ها می‌پردازند.
بوزان	نظم، آرامش و امنیت	الگوهای سنتی چون مذهب، زبان، فرهنگ، هویت و عرف ملی نقشی ویژه در تأمین امنیت اجتماعی و آرامش جامعه دارند.
ویور	هویت، نظم	گروه‌های مذهبی، قومی و نژادی که عاملین هویت‌ساز اجتماعی هستند با پاسداری از هویت اجتماعی نقشی مهم در تأمین امنیت اجتماعی بر عهده دارند.

(همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۳۴-۲۶۰؛ نویدنیا، ۱۳۸۵: ۵۵-)

پارسونز در زمینه تأثیر دینداری بر احساس امنیت خاطر معتقد است که ما در جامعه با مسئله‌ای به نام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد روبرو هستیم. در واقع، این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را تعیین کرده و در بقای نظم و امنیت سهیم هستند زیرا اعضای جامعه ارزشهای موجود را پذیرفته و به هنجارهای آن عمل می‌کنند (ترنر، ۱۳۷۳: ۱). برطبق استدلال پارسونز، نهادهایی مانند مذهب که حافظ ارزش‌ها هستند و افراد را به وفاداری نسبت به خویش ترغیب می‌نمایند، هم‌سو با اشکال سازمان یافته‌ای همچون خانواده و نظام‌های تعلیم و تربیت

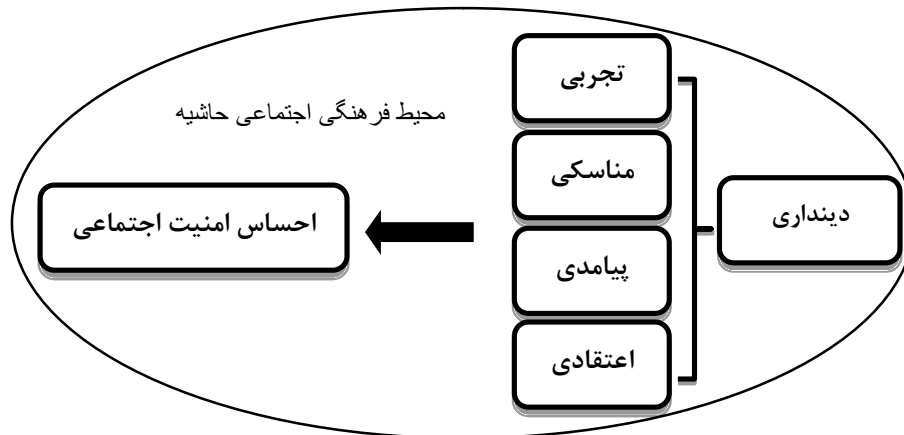
که ارزش‌های استقرار یافته‌ای را به اعضای جدید جامعه القاء می‌کنند، جامعه را در نیل به اهداف و تأمین و رفع نیازها یاری می‌کنند. در این فرایند، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک پذیرفته شده‌ای بر رفتار افراد حاکم می‌گردد و یکپارچگی، وفاق و نظم عمومی و در نهایت حس امنیت حاصل می‌شود (بیات، ۱۳۸۸:). گیدنز در قالب نظریه ساختاربندی خود، آموزه‌های دینی را در زمره قواعد تفسیری قرار داده که در راستای ایجاد نظام‌های نمادین معنادار مورد استفاده قرار می‌گیرند و نقش مهمی در تأمین احساس امنیت آنها دارند (مختاری، بلالی، میرفردی و حسینی‌اخر، ۱۳۹۱). وی معتقد است که دین، چون ابزاری سازمان‌دهنده، به چند شیوه احساس امنیت را ایجاد می‌نماید: «نه تنها خدایان و نیروهای مذهبی حمایت‌های قابل اتکای مثبتی را برای مؤمنان فراهم می‌کنند بلکه کارگزاران مذهبی نیز این کار را انجام می‌دهند. بنابر آراء گیدنز، مهم‌ترین کارکرد باورداشتهای مذهبی این است که به انسان در برابر رویدادها و موقعیت‌ها، احساس آرامش تزریق می‌کنند. مناسک در عین حال که غالباً اجباری می‌باشند، اما آرامش‌بخش نیز هستند و در تأمین امنیت وجودی و اخلاقی دخالت دارند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۶). در مجموع، مذهب، اعتقادات و اعمال دینی در تأمین احساس امنیت اجتماعی، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای شهرها که با معضل فقدان عینی و ذهنی امنیت مواجه هستند، نقشی تعیین‌کننده‌ای دارند زیرا:

- ۱- اعتقادات دینی نوعی اقتدار به همراه دارد که یک سیستم کنترل درونی در افراد ایجاد می‌کند و نوعی روح همگانی را در کالبد جامعه می‌دمد که باعث می‌شود افراد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به اعضای دیگر داشته باشند. این کنترل درونی یک نیروی بازدارندگی نسبت به برخی اعمال نظیر جرم و انحرافات اجتماعی در افراد برمی‌انگیزد و در نتیجه بر تأمین امنیت اجتماعی اثر می‌گذارد (قاسمی و امیر اسفراجانی، ۱۳۹۰:).
- ۲- از آنجا که بیشتر آموزه‌های دینی مبتنی بر احترام به حقوق دیگران، همراهی با افراد جامعه، معاشرت سالم با هم‌کیشان و ایجاد اعتماد در دیگران است، موجب می‌شود جوی سازنده میان افراد جامعه ایجاد گردد و تعاملات اجتماعی و احساس آرامش و امنیت بسط داده شود (قاسمی و امیر اسفراجانی، ۱۳۹۰: ۲۸).
- ۳- ایمان به خدا سبب می‌شود که نگرش‌های فرد به تمام هستی، هدفمند و معنادار شود و فقدان این عنصر مذهبی، آرامش و انسجام را از افراد سلب می‌کند. همین امر منشأ ضعف، ناسازگاری‌ها، ناپهنجاری‌ها و خلاف‌های زیادی در جامعه می‌گردد.

۴- عمل بیشتر به مناسک مذهبی و درگیری بیشتر افراد در این فعالیت‌ها، سبب می‌شود که فرد از تعاملات و سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار شود. این مسئله در فرد احساس انسجام اجتماعی و در نهایت امنیت را بر می‌انگیزد. در واقع مناسک دینی نوعی کنش جمعی هستند که طی آن افراد به توان‌مندی‌های لازم برای زندگی جمعی از جمله احساس همدلی، آرامش، خوشبختی، همبستگی و مشارکت دست می‌یابند. بدین ترتیب حمایت نیروهای مذهبی از مؤمنان در ایجاد احساس امنیت و آرامش در برابر رویدادها و موقعیت‌های مختلف نقش مهمی ایفا می‌کند (امین‌بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱).

۵- آموزه‌های دینی به افراد القاء می‌کند که بی‌عدالتی‌های موجود در نظام هستی، ظاهری اند و بدین ترتیب با بی‌اهمیت جلوه دادن ناکامی‌های دنیا، باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی و رفع ناامیدی در افراد می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

در مجموع، با توجه به نظریات دورکیم و توکویل مبنی بر اینکه دین به مثابه عامل انسجام و توسعه انضباط اخلاقی عمل می‌کند، و نظریات مالدینوفسکی، وبر، الوود و آدی که دین را به مثابه عامل معنادهی، هویت‌بخشی و آرامش و امنیت‌بخشی تلقی می‌نمایند و همچنین رویکردهای ترکیبی که نظم‌بخشی را عنصر بنیادی اصول و باورهای دینی تلقی می‌کند، مدل ذیل طراحی گشته است. در این پژوهش مدل فوق در قالب ارتباط میان دینداری و ابعاد آن در منطقه حاشیه‌ای شهرکاشان مورد پیگیری تجربی قرار می‌گیرد.



نمودار ۱: مدل تحلیلی ارتباط میان دینداری و احساس امنیت اجتماعی

۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کمی است که از حیث هدف کاربردی، ماهیت توصیفی-تحلیلی، با توجه به معیار زمان پیمایشی و به صورت مقطعی انجام گرفته است. در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای مطالعه نظریه‌ها و کسب اطلاعات به منابع و اسناد رجوع شده و تکنیک مورد استفاده در بخش میدانی، پرسشنامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری، حاشیه نشینان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۴ است. محلات حاشیه نشین در سه محله از شهرکاشان شامل محله غربت‌ها، پمپ رعیتی و لتحر شکل گرفته است که در مجموع ۱۵۰۰ خانوار (حدوداً ۸۰۰۰ نفر) را تشکیل می‌دهند. برای انتخاب حجم نمونه تحقیق در بین افراد جامعه آماری از فرمول عمومی کوکران استفاده شده است، لذا حجم نمونه تحقیق، طبق فرمول مذکور برابر خواهد شد با:

$$n = \frac{(1.96)^2 0.5 * 0.5}{(0.05)^2} = 384$$

بدین ترتیب طبق محاسبه فرمول کوکران تعداد $n = 384$ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمد. روش نمونه‌گیری در مطالعه حاضر، روش تصادفی است. بدین شکل که پس از تعیین حجم نمونه، به علت محدود بودن جامعه آماری مورد مطالعه، فهرستی از خانوارها تهیه و به روش تصادفی سیستماتیک از آنها نمونه‌گیری به عمل آمد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه محقق‌ساخته است. البته برخی از گویه‌های تحقیق نیز از مطالعات پیشین پرسشنامه‌های موجود اقتباس شد. جهت گردآوری اطلاعات در هر یک از محله‌های حاشیه‌نشین غربت‌ها، پمپ‌رعیتی و لتحر، ۱۲۸ پرسشنامه توزیع شده و مجموعاً با ۳۸۴ نفر مصاحبه به عمل آمده است. در سنجش اعتبار ابزار سنجش از اعتبار صوری (استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان ذیربط) استفاده شده است. در این زمینه به اصلاح محتوایی و ایجاد تناسب متغیرها با سؤالات پرداخته‌ایم. این تحقیق از اعتبار سازه نیز بهره برده و در آن از تحلیل عاملی نیز کمک گرفته شده است ($KMO=0.81$). جهت سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای همه شاخص‌های تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۷۰ بود. بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزارهای سنجش از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲: بررسی پایایی مفاهیم تحقیق

مفهوم	پایایی	ابعاد	پایایی	مفهوم	پایایی	ابعاد	پایایی
احساس امنیت	۰/۸۵	شغلی	دینداری	۰/۷۸		تجربی	۰/۷۵
		جانی				۰/۷۹	
		مالی				۰/۸۳	
		نوامیس				۰/۸۳	
		جمعی				۰/۷۸	
		فکری					
		سیاسی					

۴-۱- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در جدول زیر تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق (دینداری و احساس امنیت اجتماعی) آمده است:

جدول ۳: تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

مفهوم	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	نحوه شاخص سازی
دینداری	پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰).	سنجش میزان دینداری براساس مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵) صورت گرفته که با چهار بعد مناسکی، تجربی، اعتقادی و پیامدی سنجیده شد و برای هر بعد ۵ گویه در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای در نظر گرفته شده است.	میزان دینداری از حاصل جمع گویه ها ساخته شد که کمترین امتیاز آن ۲۰ و بیشترین امتیاز آن ۱۰۰ بود. در خصوص هر بعد نیز کمترین امتیاز ۵ و بیشترین امتیاز ۲۵ بدست آمد. نمره بالاتر به معنای دینداری بیشتر بود و بالعکس.
احساس امنیت اجتماعی	احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزشهای انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی های مشروع گفته می شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱).	میزان احساس امنیت اجتماعی در هفت بعد جداگانه شامل احساس امنیت شغلی، جانی، مالی، جمعی، نوامیس، فکری و سیاسی سنجیده شد و برای هر بعد ۵ گویه در قالب طیف لیکرت درجه‌ای در نظر گرفته شد.	میزان احساس امنیت اجتماعی از حاصل جمع گویه‌ها ساخته شد که کمترین امتیاز و بیشترین امتیاز آن ۱۷۵ بود. در خصوص هر بعد نیز کمترین امتیاز ۵ و بیشترین آن ۲۵ بدست آمد. نمره بالاتر به معنای احساس امنیت بیشتر بود و بالعکس.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های توصیفی

از منظر متغیرهای جمعیتی،٪ از حجم نمونه مورد بررسی را مردان و ٪۴۹ را زنان تشکیل می‌دهند که ٪۶۶ آنها متأهل و ٪۳۴ مجرد هستند. توصیف متغیر وضعیت سنی نشان می‌دهد که ٪۳۴/۱ افراد زیر ۲۵ سال، ٪۲۱/۲ بین ۲۵ تا ۴۵ سال و ٪۴۴/۷ بالای ۴۵ سال بوده و میانگین سنی آنها ۲۹/۲۲ سال است. از نظر سطح تحصیلات، ٪۲۸/۶ از افراد مورد بررسی دارای مدرک سیکل، ٪۲۵/۵ ابتدایی، ٪۲۱ بی‌سواد، ٪۲۳ دیپلم، ٪۲ لیسانس هستند.

جدول ۴: توصیف متغیرهای دینداری و احساس امنیت اجتماعی

مفهوم	ابعاد	پایین	متوسط	بالا	میانگین	انحراف معیار
		درصد	درصد	درصد		
دینداری (۱۰۰-۲۰)	اعتقادی	۲۳/۱	۳۸/۱	۳۸/۸	۱۶/۰۵	۴/۴۵
	مناسکی	۳۹/۴	۳۰/۴	۳۰/۲	۱۵/۱۰	۴/۱۲
	تجربی	۲۸/۳	۲۱/۳	۵۰/۴	۱۹/۲۱	۵/۲۹
	پیامدی	۳۰/۸	۲۴/۳	۴۴/۹	۱۷/۳۱	۵/۰۳
	کل	۳۱/۵	۲۹/۱	۳۹/۴	۶۵/۲۱	۸/۲۵
مفهوم	ابعاد	پایین	متوسط	بالا	میانگین	انحراف معیار
احساس امنیت (۱۷۵-۳۵)	شغلی	۸۷/۳	۶/۲	۶/۵	۹/۴۱	۲/۳۹
	جانی	۷۷/۵	۱۱/۷	۱۰/۸	۱۱/۷۴	۲/۹۸
	مالی	۷۹/۱	۱۲/۳	۸/۶	۱۱/۳۳	۲/۴۷
	نوامیس	۷۴/۴	۱۴/۵	۱۱/۱	۱۱/۹۸	۳/۱۲
	جمعی	۶۵/۸	۱۸/۸	۱۵/۴	۱۳/۳۸	۳/۳۳
	فکری	۶۰/۳	۲۸/۳	۱۱/۴	۱۲/۹۸	۳/۳۸
	سیاسی	۵۸/۲	۲۹/۷	۱۲/۱	۱۴/۱۳	۳/۷۹
	کل	۷۱/۷	۱۷/۴	۱۰/۹	۹۵/۳۴	۱۱/۳۴

نتایج تحقیق در بعد توصیفی (جدول ۴) حاکی از این است که میزان دینداری در جمعیت نمونه تحقیق در وضعیت متوسط رو به بالا است به طوری که میزان دینداری بیش از دو سوم

پاسخگویان (۶۹ درصد) متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در بین ابعاد دینداری، حجم نمونه در دو بعد تجربی و پیامدی دینداری، نسبت به دو بعد دیگر (مناسکی و اعتقادی) از میانگین بالاتری برخوردارند. میزان دینداری جمعیت مورد مطالعه در بعد تجربی (۵۰ درصد) و در بعد پیامدی (۴۵ درصد) در حد بالایی بوده و میزان دینداری در بعد اعتقادی و مناسکی به ترتیب ۳۹ درصد و ۳۰ درصد در حد بالایی ارزیابی شده است.

شاخص میزان احساس امنیت اجتماعی یکی دیگر از شاخص‌های مطالعه شده است که تنها در ۱۱ درصد از جمعیت مورد مطالعه در حد زیادی ارزیابی شده است. بنابراین اکثریت ۷۱ درصدی از حاشیه نشینان شهر کاشان از احساس امنیت اجتماعی پایینی برخوردارند. جدول توزیع نسبی و شاخص‌های آماری ابعاد میزان احساس امنیت اجتماعی (احساس امنیت شغلی، جانی، مالی، جمعی، نوامیس، فکری و سیاسی) نیز گویای این موضوع است که میزان احساس امنیت اجتماعی در هر یک از ابعاد هفتگانه مذکور در حد پایین‌تری قرار دارد. در این میان پایین‌ترین میزان احساس امنیت در بعد شغلی است. این امر خود بر عدم ثبات شغلی در بین ساکنین این نواحی دلالت دارد.

۲-۵- یافته‌های استنباطی

در جدول (۵) نتایج آزمون فرضیات تحقیق و رابطه بین متغیرهای مستقل (دینداری و ابعاد آن) با متغیر وابسته (میزان احساس امنیت اجتماعی) به کمک ضریب همبستگی پیرسون با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه بین متغیرها) ذکر گردیده است. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول حاکی است که بین میزان دینداری و ابعاد آن با میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. به این ترتیب می‌توان گفت با بالارفتن میزان دینداری، میزان احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین در خصوص رابطه بین ابعاد میزان دینداری با شادکامی، نتایج نشان می‌دهد که بعد اعتقادی قوی‌ترین رابطه ($r=0.423$, $p=0/001$) و بعد پیامدی ضعیف‌ترین رابطه را با احساس امنیت اجتماعی دارد ($r=0.221$, $p=0/001$).

جدول ۵: آزمون فرضیات تحقیق و میزان ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	اعتقادی	مناسکی	تجربی	پیامدی	دینداری	احساس امنیت
اعتقادی	۱					
مناسکی	۰/۵۸۱**	۱				
تجربی	۰/۶۱۳**	۰/۵۲۰**	۱			
پیامدی	۰/۵۵۶**	۰/۴۳۱**	۰/۵۶۹**	۱		
دینداری	۰/۷۶۵**	۰/۸۰۱**	۰/۷۴۵**	۰/۵۸۹**	۱	
احساس امنیت	۰/۴۲۳**	۰/۳۱۲**	۰/۳۴۱**	۰/۲۲۱*	۰/۳۸۹**	۱

به منظور بررسی تأثیر ابعاد دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی از آزمون رگرسیون چند متغیره به روش همزمان استفاده شده است. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که ابعاد دینداری ۲۳ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. با مرور جدول زیر می‌توان گفت، چهار بعد "اعتقادی"، "مناسکی"، "تجربی" و "پیامدی" از عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی هستند.

جدول ۶: نتایج رگرسیون تأثیر ابعاد دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی

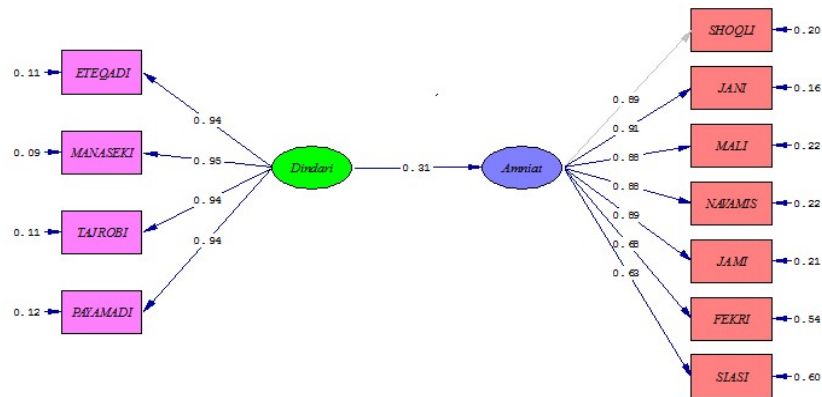
شاخص	ضریب همبستگی (R)	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	F	سطح معناداری
مقدار	۰/۴۷۳	۰/۲۲۴	۰/۲۲۰	۱۳۸/۸۶۷	۰/۰۰۱

جدول ۷: مشخص‌کننده‌های آماری، میزان و جهت تأثیر ابعاد دینداری بر میزان احساس امنیت

متغیر	ضریب غیر استاندارد	خطای استاندارد	Beta	t	Sig.
عدد ثابت	۶۵/۰۱	۲/۹۰۳	-	۲۲/۳۸۸	۰/۰۰۱
بعد اعتقادی	۱/۰۲۷	۰/۰۵۲	۰/۳۲۶	۱۹/۵۸۸	۰/۰۰۱
بعد	۰/۹۴۱	۰/۰۸۲	۰/۱۹۹	۱۱/۴۶۹	۰/۰۰۱

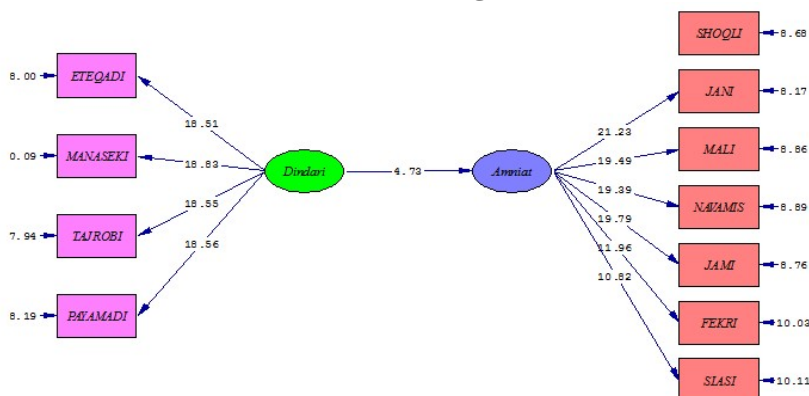
					مناسکی
۰/۰۰۱	۱۳/۳۰۱	۰/۲۵۰	۰/۰۶۳	۰/۸۳۶	بعد تجربی
۰/۰۰۱	۷/۲۶۹	۰/۱۳۳	۰/۰۱۹	۰/۱۳۷	بعد پیامدی

یافته‌های رگرسیونی نشان می‌دهند که تأثیر هر چهار بعد دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی افزایش یافته است. بعد اعتقادی بیش‌ترین تأثیر (۰/۳۲۶) مستقیم و بعد پیامدی کم‌ترین تأثیر (۰/۱۳۳) مستقیم را بر میزان احساس امنیت اجتماعی دارد. ضریب بتای بعد اعتقادی بدان معناست که به ازای هر واحد افزایش در بعد اعتقادی دینداری، ۰/۳۲۶ واحد میزان احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار زیر منعکس شده است. با توجه به اینکه ضریب معنی‌داری فرضیه اصلی تحقیق بالای ۱/۹۶ است ($t = 4/73$) ، مقوله دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی تأثیر معناداری دارد و ضریب استاندارد ($\beta = 0/31$) ، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی است. به بیانی دیگر با افزایش میزان دینداری ، میزان احساس امنیت اجتماعی با شدتی متوسط افزایش می‌یابد. در ضمن، ارزیابی مطلوبیت شاخص‌های برازش مدل، حاکی از آن است که مدل معادلات ساختاری تأثیر دینداری بر احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهرستان کاشان از برازش مناسب برخوردار است و داده‌های گردآوری شده به خوبی مدل مفهومی را مورد حمایت قرار می‌دهند.



Chi-Square=93.44, df=43, P-value=0.05600, RMSEA=0.027

شکل ۲: مدل معادله ساختاری تأثیر دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی (در حالت استاندارد)



Chi-Square=93.44, df=43, P-value=0.05600, RMSEA=0.027

شکل ۳: مدل معادله ساختاری تأثیر دینداری بر میزان احساس امنیت اجتماعی (در حالت معنی داری)

جدول ۸: نتایج اجرای مدل ساختاری تأثیر دینداری بر احساس امنیت اجتماعی

نتیجه	ضریب معنادری	ضریب استاندارد	فرضیه
معنی دار	۴/۷۳	۰/۳۱	دینداری → احساس امنیت اجتماعی
$Chi-Square=93/44$ $df=43$ $RMSEA=0/027$ $GFI=0/94$ $AGFI=0/92$ $CFI=0/93$ $NFI=0/91$ $RMR=0/039$			

۶- بحث و نتیجه گیری

حاشیه‌نشینی یکی از مسائل مهم شهرنشینی در غالب کشورهای جهان است که در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، روز به روز در گسترش می‌یابد و بحران ایجاد می‌کند. اگر چه این پدیده در کشورهای جهان به طور متفاوتی از یکدیگر نمود پیدا کرده است، ولی ویژگی مشترک ساکنان این مناطق، اغلب افراد مهاجر کم درآمد فقیری است که فقر روستایی خود را به شهر آورده‌اند. این افراد با پس زده شدن از محیط شهر، به تدریج در حاشیه شهر و سکونت

گاه‌های نامتعارف آن کشانده شده‌اند. کمبود تأسیسات زیربنایی مانند شبکه‌های ارتباطی مناسب، منابع آب سالم و تصفیه شده، سیستم تخلیه فاضلاب شهری، مراکز بهداشت و مراکز آموزشی از یک سو و وجود مشاغل غیر رسمی، شیوع بیماری‌ها، جدایی‌گزینی از شرایط متعارف شهری و شیوع گسترده جرم و جنایت، از بارزترین ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین است که با سیمایی نامتعارف و ناهنجار به شکل جزیره‌های فقر در شهرها نمایان می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸). شرایط مذکور و جو ناامنی حاکم بر این مناطق اغلب وضعیت ذهنی در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن را نزد ساکنین این مناطق تداعی کرده و به نوعی احساس امنیت را در آن‌ها تحت الشعاع قرار می‌دهد. احساس امنیت اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظم، انسجام اجتماعی، توسعه و پیشرفت در هر نظام اجتماعی و از بنیادی‌ترین نیازهای اجتماعی است که می‌بایست اعضای هر جامعه از آن برخوردار باشند. از جمله عواملی که کارویژه‌ای منحصر به فرد در بسط احساس امنیت در جامعه ایفا می‌نماید، میزان پایداری به اعتقادات و عمل به مناسک دینی و به عبارتی میزان دینداری افراد است. آموزه‌های دینی به واسطه جلب مشارکت افراد در اجتماعات دینی، توسعه انسجام اجتماعی در میان معتقدان به دین و شکل دهی به نوعی نظام کنترل درونی، مانع از توسعه ناهنجاری‌ها و اعمال خلاف در سطح جامعه می‌گردند. این نهاد فضای اجتماعی را ایمن می‌سازد و زمینه گسترش تدریجی احساس امنیت در جامعه را مهیا می‌کند. بنابراین با توجه به نقش مذهب و دینداری بر مقوله احساس امنیت اجتماعی، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط میان میزان دینداری حاشیه‌نشینان شهر کاشان و احساس امنیت اجتماعی آنها می‌پردازد.

پس از بررسی‌های صورت گرفته، یافته‌ها نشان دادند که رابطه مستقیم و معناداری میان دینداری با احساس امنیت اجتماعی (۲=۰/۳۸۹) وجود دارد. به عبارتی، به هر اندازه که میزان دینداری و پایداری مذهبی حاشیه‌نشینان بالاتر باشد، از احساس امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود. یافته فوق همسو با نتایج مطالعات کردی و کوهساری (۱۳۹۰) (در ابعاد مناسکی و پیامدی)، پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱)، قجری، توکلی و رئیسی (۱۳۹۲)، هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲)، برلین و هیپ (۲۰۰۵)، کوئینگ (۲۰۰۷) و الکندری (۲۰۱۱) است. بنابر مطالعات پیشین، حاشیه‌نشینی مولودی است از وجود و شیوع انواعی از آسیب‌های اقتصادی (نظیر رواج دست‌فروشی، افزایش بیکاران دائمی و فصلی، افزایش تکدی‌گری و تحمل هزینه

های سنگین) و آسیب‌های اجتماعی (همچون بزهکاری، اعتیاد به مواد مخدر و فروش آن، خرید و فروش مشروبات الکلی، نزاع). با وجود چنین آسیب‌هایی در مناطق حاشیه‌ای همواره امنیت در کلیه ابعاد آن در وضعیت مخاطره‌انگیز و نامطلوبی قرار می‌گیرد. زیرا امنیت به مثابه سازه‌ای چند بعدی و مجموعه‌ای تلفیقی از اوضاع پیرامونی، زمانی تحقق می‌یابد که مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار گیرد. با این وجود، گسترش روز افزون جمعیت حاشیه‌نشین در اطراف شهرها، آسیب‌های متعددی را به همراه دارد که یقیناً مانعی عمومی برای تحقق امنیت در بعد عینی و ذهنی آن است. احساس ناامنی ذهنی یا فقدان احساس امنیت اجتماعی که ناشی از توسعه آسیب‌های متعدد در جمعیت حاشیه‌نشین است، خود سبب برهم خوردن تعادل حیاتی، روانی و اجتماعی شخص یا جامعه می‌گردد (محمدی، منوچهری و داودی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). در این شرایط دین، باورهای دینی و اصول مذهبی، به عنوان یکی از نیروهای اجتماعی، قادر است تا به واسطه سازوکارهای ذهنی، روانی و مناسکی خود، جو ناامنی ذهنی حاکم بر شهروندان را تا حدی تسکین دهد. دینداری به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، با معنادار ساختن نظام زندگی، ایجاد احساس خوشبختی، رفع احساس تنهایی، هدف دار جلوه دادن زندگی و افزایش امید به زندگی، آرامش روحی را برای ساکنین حاشیه شهر کاشان فراهم می‌کند. به زعم مالینوفسکی، دین ریشه در فشارها و تنش‌های عاطفی دارد و در مشکلات به کمک انسان آمده و احساس آرامش را برای وی به ارمغان می‌آورد (همیلتون، ۱۳۷۷). ایوانز (۲۰۱۱)، دورکیم (۱۹۱۲) و وبر (۱۹۰۵) نیز در نظریات خود بر این امر صحت گذاشته‌اند که حمایت نیروهای مذهبی از مؤمنان در ایجاد احساس امنیت و آرامش در برابر رویدادها و موقعیت‌های مختلف نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع دینداری افراد، سبب‌ساز ایجاد نوعی شبکه اعتماد در بین افراد جامعه شده که برای روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی ضروری است و با شکل دهی احساس اعتماد به نفس در نزد افراد، آنها را در مواجهه با ناامنی‌های موجود در جامعه ایمن می‌سازد.

از جنبی بررسی شاخص‌های استنباطی در قالب رگرسیون چندمتغیره پیرامون بررسی تأثیر ابعاد متغیر دینداری بر احساس امنیت اجتماعی بیانگر این مطلب است که چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی دینداری، ۲۳٪ از تغییرات احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌نمایند. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز از تأثیر معنادار دینداری بر احساس امنیت اجتماعی حکایت دارد: برحسب ضرایب حاصله از این معادلات، با افزایش میزان دینداری افراد،

احساس امنیت اجتماعی نزد آنها با شدتی متوسط افزایش می یابد (۰/۳۱=β). همچنین یافته ها نشان دادند بعد اعتقادی بالاترین میزان تأثیرمستقیم (۰/۳۲) و بعد پیامدی پایین ترین میزان تأثیر (۰/۱۳) را بر احساس امنیت اجتماعی به خود اختصاص داده اند. به بیانی، اعتقادات دینی نوعی کنترل درونی در افراد ایجاد کرده، روح همگانی را در کالبد جامعه می دمد و موجب می شود که افراد جامعه احساس مسئولیت بیشتری نسبت به اعضای دیگر داشته باشند. این کنترل درونی، نیرویی بازدارنده نسبت به برخی از اعمال نظیر جرم و انحرافات در افراد ایجاد می کند و آنها را وادار به احترام به حقوق دیگران در مناسبات اجتماعی شان می کند. این امر خود عاملی جهت بسط احساس امنیت است. افرادی که اعتقادات دینی قوی تری دارند، همواره خود را مجهز به قدرت اطمینان بخشی می یابند که این مسأله حاصل اعتقاد آنها به پروردگاری است که او را به صورت مداوم نزدیک خود احساس می کنند. چنین قدرتی باعث می شود که در برخورد با فضاهای مختلف، احساس ترس کمتری نسبت به فردی که چنین نیرویی را با خویش ندارد، داشته باشد.

اعتقادات نیرومند مذهبی عمل به آداب و مناسک مذهبی را در پی دارد. افرادی که خود را درگیر مناسک جمعی می نمایند، همانگونه که دورکیم و ایوانز نیز اشاره می کنند، از تعاملات و سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند و همین موضوع به آنها کمک می کند تا انسجام موجود در مناسک جمعی، در اذهانشان تعمیم یافته و در فضاهای مختلف احساس ناامنی نکنند. لذا «شرکت در مناسک دینی و به طور کلی التزام عملی به احکام و دستورات مذهبی به هنگام بروز سختی ها و استرس های روانی، باعث ایجاد امنیت و اطمینان اساسی می شود که در نجات و رهایی فرد کمک می کند» (امین بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱: ۳۵). در مجموع، احساس امنیت وابسته به شرایط اجتماعی است و برای ایجاد و حفظ پایدار آن، باید ساختارهای اجتماعی مساعدی وجود داشته باشد و ارزشهای دینی و التزام به آن در میان گروه های اجتماعی و نظام های جامعه ای گوناگون، رواج داشته باشد. تزریق دائم ضدارزشهای دینی به جامعه و عدم پایبندی برخی از اقشار به دین، مصادیق دینی و ارزشهای مذهبی، بستر ساز رشد و توسعه احساس ناامنی در شرایط عدم امنیت عینی به ویژه در میان حاشیه نشینان شهری است.

منابع

۱. آرون، ریمون. (۱۳۸۶). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (سال اصلی اثر چاپ شده ۱۹۴۷)
۲. افشار، مرضیه. (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی زنان بین ۱۵ تا ۴۵ سال در شهر تهران، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، ۱، ۶۷-۸۸.
۳. امین بیدختی، علی اکبر و شریفی، نوید. (۱۳۹۱). بررسی نقش مداخله گرایانه سازه سرمایه اجتماعی در رابطه بین دینداری و احساس امنیت اجتماعی، *پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم*، ۱، ۱۳-.
۴. بیتس، دانیل، پلاگ، فرد. (۱۳۸۲). *انسان شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۵. بیات، بهرام. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، (۱)، ۳۱-۵۵.
۶. پوراحمد، احمد، عبوضلو، محمود، حامد، محبوبه، عبوضلو، داوود، رضایی، فرشته. (۱۳۹۱). بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضای شهری و روستایی، *فصلنامه پژوهشهای امنیت و نظم اجتماعی*، (۱)، ۱-.
۷. ترنر، جان اتان. (۱۳۷۳). *ساخت نظریه‌های جامعه شناسی*، ترجمه عبدالعلی لهستانی زاده، شیراز: نوید.
۸. حسینی نثار، مجید و قاسمی، علی. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، ۱۲، ۴-۱.
۹. حشمت یغمایی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۰. خانباشی، محمد (۱۳۹۴). *حاشیه‌نشینی و مشکلات شهری*، برگرفته شده از پایگاه اطلاع رسانی ejtemaee.mcls.gov.ir.
۱۱. دلاور، علی و جهانتاب، محمد. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۷ (۲)، ۷۳-۹۵.

۱۲. ربانی، رسول، وارثی، حمیدرضا، طاهری، زهرا. (۱۳۸۸). تحلیلی بر علت اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان نمونه موردی: منطقه ارزان و دارک، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۳، ۹۳-.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *مجله جامعه شناسی ایران*، ۶ (۱)، ۶۶-.
- شایگان، فریبا. (۱۳۹۲). مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی مردان و زنان در برابر اتباع بیگانه، *نشریه پلیس‌زن*، ۷ (۹)، ۲۵-۵.
۱۴. قاسمی، وحید، امیری اسفراجهانی، زهرا. (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، *فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، سال، شماره ۲، ۴۶-۲۱.
۱۵. قجری، حسینعلی، توکلی، آسیه، رئیسی، کبرا. (۱۳۹۲). بررسی میزان دینداری (در بعد مناسکی و اعتقادی) و تأثیر آن بر احساس امنیت در بین دانش آموزان در خانواده در شهرکرد، *فصلنامه دانش انتظامی چهار محال و بختیاری*، ۱۱ (۱)، ۱۷۰-۱۵۴.
۱۶. قرایی، فریبا، راد جهانبانی، نفیسه، رشیدپور، نازیلا. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری (نمونه موردی مناطق ۲ و ۱۱ تهران)، *مجله آرمانشهر*، ۴-۲۱-۲۱.
۱۷. کردی، حسین، کوهساری، هادی. (۱۳۹۰). دینداری و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهر آزادشهر)، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی گلستان*، ۲ (۷)، ۲۸-۸.
۱۸. کوثری، مسعود. (۱۳۸۵). *نظریه‌های آنومی اجتماعی*، تهران: سلمان.
۱۹. گنجی، محمد، هلالی ستوده، مینا. (۱۳۹۰). رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان)، *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۳ (۲)-۱۲۰-۹۵.
۲۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *معنای مدرنیت*، مترجم: علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.
۲۱. مختاری، مریم، بلالی، اسماعیل، میرفردی، اصغر، حسینی، اخگر، سیده معصومه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج، *پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱۱ (۱)-۴۰.

۲۲. محمدی، سعدی، منوچهری، سوران، داودی، آزاد (۱۳۹۴). تبیینی بر تأثیر گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی بر امنیت پایدار (شهری)، فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت، ۸ (۴)، ۱۴۳ - ۱۲۱.
۲۳. صباح محمدی، سرواله (۱۳۹۴). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر سنندج، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، ۲۱، ۲.
۲۴. صالحی امیری، سیدرضا، افشار نادری، افسر. (۱۳۹۰). مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه راهبرد، (۵۹)، ۷۶-۴۹.
۲۵. صدیقی اورعی، جمیل. (۱۳۸۴). امنیت اجتماعی در شهر سنندج، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۶. عابدی، احمد، شوآخی، علیرضا، تاجی، مریم. (۱۳۷۸). رابطه بین ابعاد دینداری با شادی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱، ۵۸-.
۲۷. عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۸۴). تحلیل مقایسه‌ای احساس امنیت اجتماعی اقتصادی مردم مشهد و کشور، مجله فرهنگ خراسان، ۵ (۱۳).
۲۸. نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹ (۱)، ۷۳ - ۵۳ .
۲۹. نقدی، اسدالله (۱۳۸۵). حاشیه نشینی، پیدایش، مسائل و راهکارها، اولین همایش بین المللی طراحی شهر، اصفهان.
۳۰. نقدی، اسدالله. (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تأکید بر شهر همدان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵ (۲)، ۲۳۳ - ۲۱۳ .
۳۱. هاشمیان فر، سیدعلی، دهقانی، حمید، اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۲). تأثیر دینداری و رسانه های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان، پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲، ۷۲-۵۳.
۳۲. هزارجریبی، جعفر، یاری، حامد. (۱۳۹۱). رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۲، ۵۸ - ۳۱.
۳۳. همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.

34. Al- Kandari, Y. (2011). Religiosity, social support, and health among the elderly in Kuwait. *Journal of Muslim Mental Health*, 4(1).
35. Beyerlein, K., Hipp, J. R. (2005). Social capital, too much of a good thing? American religious traditions and community crime. *Social Forces*, 48 (2), 150 – 167.
36. Koenig, H. G. (2007). Spirituality and depression southern, *Medical Journal*, 7, 737–739.